

ذهنیت سرشار، هویت بیمار دورنمایی از ویژگی‌های معلم در قرن ۲۱ علی افشاری (*)

مقدمه:

به سمت جوهر پنهان زندگی بروید و برای همین است که ویژگی‌های بی‌سابقه و منحصر به فردی برای او مترتب می‌گردد. در قرن ۲۱ هر کسی نمی‌تواند معلم باشد. تنها آنانی که توانایی گره زدن عقلانیت را با معنویت دارند، امکان این را دارند که معلم باشند. دیگر به صرف داشتن حکم وزارتی و ردیف استخدامی، کسی نمی‌تواند معلم باقی بماند. در آینده نقاب‌های تقدس و تعارف امروزی پیرامون معلم فرو خواهد ریخت و لذا هر کسی امکان این را نخواهد داشت که از پشت آنها به آسانی خود را معلم جلوه دهد. در یک جمع‌بندی کلی، اگر عناصر فراهم آورنده‌ی ساختار وجودی معلم را در دانش، روش، منش و بینش او تصویر کنیم، آنگاه راحت‌تر می‌توان ویژگی‌های معلم قرن ۲۱ را برشمرد. بنابراین در این روند و روال تحولات، ویژگی‌های معلم به شرحی که در پی خواهد آمد، احتمالاً تغییر خواهد کرد.

ویژگی‌های مربوط به دانش معلم

دانش، سرمایه‌ی اصلی معلم است و معلم قرن ۲۱ بی‌آنکه بخواهد حجم انبوهی از این سرمایه را در اختیار خواهد داشت. معلم این قرن قبل از هر چیز یک اندیشمند است. اندیشمندی که ضمن تعهد به تکنولوژی آموزشی، ناگزیر از استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی است. وی در گستره‌ی دانش خویش، زیاد می‌داند و چیزهای زیادی نیز می‌داند. مضافاً بر این که دانش او به مراتب پویانده و بالنده نیز می‌گردد. به همین خاطر او به نوعی نسبت‌گرایی در علوم معتقد خواهد شد. چندان که به دانش‌هایی مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی روش‌های تدریس، اعتنا و ایمان همواره ثابتی نخواهد داشت. البته در اندیشمندی او نیز، تخیل جایی ندارد. او به تجربه بیش از علم ایمان دارد و به جای نقب‌زدن‌های بی‌هوده در زیر کوه حقیقت‌ها، علاقمند است که تا اعماق دریای واقعیت‌ها پیش برود.

دانش او با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی، متنوع و گسترده

قرن ۲۱ را عصر پست مدرنیسم (فرا تجدید) نامیده‌اند. قرن‌ی که مثل هیچ یک از قرن‌هایی که ما تاکنون شناخته‌ایم، نیست. در این دوره، کم و کیف همه‌ی مفاهیم و اشیا تغییر و تحول جدی می‌یابد. ضمن یک دوره‌ی کوتاه در تاریخ اندیشه‌ی آدمی، نکته‌ی برجسته‌ای وجود دارد و آن این‌که اگر آدمی گذراز سنت به مدرنیسم را در طی قرن‌ها و به تدریج پیموده است، اما این چنین که بر می‌آید گذراز مدرنیسم به پست مدرنیسم را دیگر، چه بسا تنها در کمتر از یک قرن و به‌طور آنی می‌پیماید. چنان‌که در زمینه‌های صنعتی، اقتصادی و سیاسی، تحول و تطور بسیار انجام گشته است. ولی گزاره‌های فرهنگی و از جمله آموزش و پرورش، از یک سو ریشه در تار و پود روح آدمی دارند و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحولات حاصل شده هستند. به همین دلیل تعجبی نخواهد داشت که اگر به آسانی در دام دگرگونی‌ها نیفتند با این وجود چندیست که ماشین به‌عنوان خلیفه‌ی انسان بر روی زمین، چندان نشسته است و می‌اندیشد که حتی حریم آموزش و پرورش را نیز دستخوش استحاله‌ای جدی قرار داده است و تازه این همه فقط به مثابه پیش در آمدی از نتایج سحر است. باشیم و دمیدن دولت صبحش را به‌نظاره بنشینیم.

معلم آینده

امروز ما در جهانی زندگی می‌کنیم که از آن راززدایی شده است و این ناشی از تحول در عقلانیت بشر است. اکنون به لطف امکان ارتباطات سریع، اطلاعاتی وسیع نیز هر لحظه در سراسر عالم پخش می‌شود. دیگر تلویزیون و رایانه، به‌عنوان معلمان خصوصی، وارد هر خانه‌ای شده‌اند و مطالبی را بیشتر، سریع‌تر، صحیح‌تر و سلیس‌تر از معلمان به‌بچه‌ها می‌آموزند، چندان‌که اگر معلمان به‌باز آموزی و به‌آموزی در امر کار و تدریس خویش نکوشند، در انظار شاگردانشان سخت شرمند خواهند گشت. معلم در قرن ۲۱، باید بیش از پیش و از میان این همه آدم و آهن،

(*) - مربی تربیتی دبیرستان شهدای ادب

خواهد شد، جای سؤال دارد.^(۳)

ویژگی‌های مربوط به‌منش معلم

قبل از بیان ویژگی‌های شخصیتی معلم مدرن، شاید بهتر باشد که اساساً ویژگی‌های شخصیتی انسان مدرن را بشناسیم. از یک نظر مواردی چون استدلالی بودن، بی‌اعتمادی به تاریخ، اینجایی و اکنون بودن، فروشنکنی مابعدالطبیعه‌های گسترده‌ی قدیم و فداست‌زدایی از اشخاص از جمله این ویژگی‌هاست.^(۴) بدین ترتیب معلم قرن ۲۱، شرایط کاملاً جدید و بی‌سابقه‌ای را پیش رو خواهد داشت از سویی او نمی‌خواهد جز خودش باشد و می‌کوشد تا اندیشه‌اش غیرسلیقه‌ای، فراجناحی، فرامرزی و کاملاً انعطاف‌پذیر باشد. در مقابل، دستاوردهای زندگی مدرن، رفاه‌طلبی، مصرف‌گرایی و سایر مسائل خاص جهانی شدن، گریبانگیر وی خواهد بود. در نتیجه این وضعیت، اضطراب و افسردگی دست از سر وی برنخواهد داشت. او اگر چه در غوغای قرن سخت مضطرب است، اما در آستانه‌ی فرآیند آموزش و پرورش، فروتن است. او همه‌ی صداها را می‌شنود و به‌صدهای مخالف احترام می‌گذارد. او بی‌تعصب، انعطاف‌پذیر، نوآور، خلاق و پرسشگر است. او ضمن این‌که به‌دیدگاه‌های دیگران احترام می‌گذارد به‌توانایی‌های خود اعتماد دارد و در برابر آن‌چه در کلاس و جامعه می‌گذارد، حساسیت نشان می‌دهد.^(۵)

البته وی سعی می‌کند خونسردی خودش را حفظ کند، چراکه اصلاً قصد معجزه ندارد و خود را جانشین پیامبران تصور نمی‌کند به‌عبارت دیگر ادعای گرفتن دست دیگران را برای رساندن آنان به‌درجاتی که می‌خواهند، ندارد. او اگر چه جنبه‌های فنی و سخت آموزش و یاددهی را می‌شناسد اما اجازه نمی‌دهد که این‌ها او را آزرده خاطر و افسرده نمایند. با این همه باز هم ناگزیر از تجربه اضطراب‌های تازه است.

ویژگی‌های مربوط به‌بینش معلم

گفته می‌شود که قرن بیست و یک از حیث بینشی، سکولار است. سکولاریسم علی‌الظاهر چنان می‌نماید که جای دین را تنگ می‌کند و در عوض به‌آدمیان انگیزه و اندیشه می‌دهد در این ساختار همه چیز و از جمله آموزش و پرورش غیر دینی می‌شود. مفاهیمی چون سیاست، اقتصاد، فرهنگ و مذهب بدون هیچ وابستگی به‌هم‌دیگر، هر کدام راه خویش را می‌روند. عقل به‌جای

است. در این میان، اینترنت ابزار دانش‌اندوزی اوست. اینترنت مسیر بزرگ راه‌های اطلاعات را از انحصار دانشگاه‌ها و مراکز کاملاً تخصصی، علمی و پژوهشی خارج کرده و به‌سوی مراکز علمی کوچک‌تری نظیر مدارس و کافی‌نت‌ها می‌کشاند.^(۱) به‌طوری‌که در جهت استفاده از آن حتی دانش‌آموزان با معلمان خود به‌رقابت جدی بر خواهند خاست و لذا معلمان چاره‌ای ندارند جز این‌که بیش از پیش در افزایش دانایی و معلومات خود بکوشند.

ویژگی‌های مربوط به‌روش معلم

حساس‌ترین و ضروری‌ترین ویژگی‌های معلم قرن ۲۱ هر چه که باشند، قطعاً مربوط به‌روش و شیوه‌ی کار او خواهد بود. چه این‌که وجود این خصیصه‌هاست که او را به‌عنوان یک معلم معرفی می‌نماید. وی معلمی را حرفه، فن و نوعی از شیوه‌ی زندگی می‌داند. طریقه‌ی کار او، فرآیند مدرسه‌ای است. کتاب‌های درسی او را راضی نمی‌سازند. به‌شدت جستجوگر و کنجکاو است و این شاید بیشتر به‌خاطر اقتضای زمانه است. او در ضمن تدریس به‌جای ارائه‌ی پاسخ، بیشتر به‌طرح پرسش خواهد پرداخت. وی بی‌آن‌که نیازی به‌شعار دادن و تظاهر کردن داشته باشد، نشان می‌دهد که واقعاً محور فعالیت او دانش‌آموزان هستند. شیوه‌ی کار او احتمالاً چنان خواهد بود که نقش مؤثر خود را تنها به‌عنوان عضوی از گروه شناسایی و فعال سازد.

یکی از صاحب‌نظران تربیتی معاصر، عقیده دارد که روش کار معلمان قرن ۲۱، احتمالاً ترویج تعلیم و تربیت انتقادی خواهد بود. بدین‌وسیله به‌دانش‌آموزان فرصت داده می‌شود تا ظرفیت انتقادی را برای مبارزه و تغییر صور سیاسی و اجتماعی موجود به‌جای سازگاری صرف با آنها، گسترش دهند. چنین تعلیم و تربیتی به‌معنای تجهیز دانش‌آموزان به‌عادت‌هایی است که نیاز خواهند داشت تا خود را در تاریخ جای دهند. صدای خود را بیابند و اعتقادات و هم‌دردی لازم را برای اعمال شجاعت مدنی فراهم نمایند.^(۲)

پر واضح است که ویژگی‌های روش معلم قرن ۲۱، به‌شدت متنوع و متفاوت با اکنون خواهد بود اما با این حال فعلاً نمی‌توان در خصوص نقش و تأثیر روش‌های او داوری نمود. چرا که بسیاری از اصول و مبانی رفتاری او ریشه در قرن بیستم و عصر مدرنیسم دارد و لذا تداوم این شیوه‌ها و ولو با قدری تصرف و تحول در قرن ۲۱ که در واقع روزگار پست مدرنیسم است چگونه درک و فهمیده

سنت و مذهب حکومت می‌کند. معلم این قرن نیز متأثر از این اوضاع است. او در یقینی‌ترین بینش خود شک خواهد کرد. عقل حسابگر او به مفاهیم ارزشی و ذوقی وقعی نمی‌نهد. هم‌چنین معلمی را دیگر عشق و ایثار نمی‌تواند تصور کند. گمان ندارد که عظمت و زیبایی در بطن اشیا و مفاهیم نهفته باشد. بلکه باور دارد که عظمت و زیبایی را تنها در ضمن عمل و آن هم در نگاه خودش باید جستجو کند. نتیجه ناخوشایند این وضع، تقدس‌زدایی از بسیاری مفاهیم پیشین است. برای مثال مفهوم قناعت، از همین آستانه قرن ۲۱، از بیگانه‌ترین مفاهیم اخلاقی گذشتگان شده است. در جهان جدید اعتراض به جای قناعت نشسته است. در چشم بشر امروز طبیعت به خودی خود یک موجودی بی‌شکل، بی‌هویت و خفته است که در گوشه‌ای افتاده است و ما باید آن را صدا بزنیم و بر حسب غایاتی که خودمان تعریف می‌کنیم به‌جزای بی‌جان و شکل آن، جان و شکل دهیم. اتفاقاً معلم قرن ۲۱ به‌عنوان قشری که مواجهه‌ی مستقیمی با گزاره‌ای فرهنگی دارند، بیش از همه در معرض این تهاجم قرار می‌گیرند. برای همین است که می‌گوییم آنان اگر چه معرفت و ذهنیتی سرشار دارند اما تا مدت‌ها در حسرت هویتی از دست رفته خواهند گریست.

با این همه او از آن‌جایی که قبل از هر چیز انسان است، قطعاً باز هم دین‌دار و اهل بینش باقی می‌ماند. اما دین‌داری او، الزاماً از جنس دین‌داری متعارف یک مسلمان، مسیحی و یهودی نیست. او بر اساس یک ذهنیت پلورالیستی و فارغ از تعصب‌های مذهبی معمول و در راستای پدیده‌ی جهانی شدن دینی جهانی خواهد داشت.

جمع‌بندی

آموزش و پرورش قرن ۲۱، تکثرگراست و اصل نسبت از اصول عمده‌ی آن است. به‌همین خاطر، این ساختار قادر نخواهد بود، مجموعه‌ای دقیق از عناصر اصلی برنامه‌ی آموزشی خود را پیش‌نهاد کند. معلم این نظام نیز احتمالاً یک‌سری ویژگی‌های مشخص ندارد. او بدون این‌که تظاهر کند درصدد است یک‌ه بودن خویش را به‌اثبات برساند و به‌همین جهت از یک نارضایتی خلاق برخوردار است که به‌آسانی تعریف شدنی نیست. چنین معلمی، کل‌گرایی و کل‌گویی را کنار می‌گذارد. شالوده‌های کهنه ساخت و رابطه را در هم می‌ریزد. نگاه خودش را از متن به‌حاشیه معطوف می‌کند. می‌کوشد مرزها را فرو ریزد و طبقه‌بندی اجتماعی، نژادی

و جنسی را کنار بگذارد.

در آموزش و پرورش فردا بنیان نظام آموزشی به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود. مفهوم نمره و امتحان از میان می‌رود و ارتقای تحصیلی الزاماً به‌مفهوم طی کردن پایه نیست. چنین نظامی غیرمتمرکز خواهد بود و پر واضح است که معلم در این فضا ویژگی‌هایی فراتر از آنچه ما می‌شناسیم باید داشته باشد. او نه از روی تصادف که با تأمل کافی معلم می‌شود. معلمان فردا بر عکس امروز و گذشته برترین و بهترین توانایی که در خود سراغ می‌یابند هنر معلمی است و به‌همین خاطر به‌این حرفه روی می‌آورند. اصلاً مهم‌ترین ویژگی معلم قرن ۲۱، احتمالاً این است که او ویژه‌ی کار معلمی بار آمده است. چنین معلمی جرأت زیستن در مدارس قرن خود را دارد و این هنر کمی نیست. اگر چه سازمان‌های آموزشی فردا چونان امروز، قدرت اعمال نظر و سلیقه را نخواهند داشت و معلم آسودگی خاطر بیشتر و دغدغه‌های اداری کمتری خواهد داشت. اما به‌همان اندازه مدارس، میدان‌های مواجهه فکری و تضارب آرا می‌گردد و معلم در این عرصه نه فقط ناظر و کارگردان آن، که بازیگری خستگی‌ناپذیر خواهد بود.

کلام آخر این‌که معلم قرن ۲۱، به‌نوعی غیر متعهد است. او نه نماینده‌ی خدا بر روی زمین به‌حساب می‌آید و نه محور برنامه‌ی آموزشی، قصد معجزه کردن هم ندارد. توان و حوصله‌ی رویارویی مستقیم با مکانیسم‌های پیچیده یادگیری و تربیتی را هم ندارد. همین‌طور انگیزه‌هایی چون بشردوستی، محرومیت‌زدایی و خلوص نیت در وجود او کم رنگ خواهد شد. با این همه او ذهنی سرشار از دانستنی‌ها دارد و در برابر اندیشه‌های مقابل، آرام و گشوده است. او پیش از آن‌که یک مصلح، قهرمان، آرمان‌خواه و حتی یک معلم باشد، فقط یک شهروند اهل جامعه‌ای دموکراتیک است که به‌اصول زندگی در آن به‌خوبی و شاید بهتر از دیگران احترام می‌گذارد.

یادداشت‌ها

- ۱ - آهنچیان، محمدرضا، آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن، تهران: طهوری، ص ۱۱۶
- ۲ - ژبور، هنری ای، به‌سوی تعلیم و تربیت پست مدرن، ترجمه مرتضی کبریایی، تهران: نشر نی، ص ۷۲
- ۳ - آهنچیان، محمدرضا، همان، ص ۵۷
- ۴ - ملکیان، مصطفی، سنت و مدرنیسم، تهران: صراط، ص ۲۷۵
- ۵ - سازمان یونسکو، تعریفی نو برای آسیای نوین، ترجمه داریوش دهقان، تهران: نشر پژوهشکده تعلیم و تربیت، ص ۳۲